

تأثیر نهادها بر نرخ بیکاری**

ابوالفضل شاه‌آبادی

دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان (نویسنده مسئول)

shahabadi@basu.ac.ir

بهزاد امیری

دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

amiri.beh@gmail.com

مهسا گنجی

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

mahsaganji1@gmail.com

چکیده

بیکاری یکی از مشکلات بزرگ اقتصادی - اجتماعی است که عملکرد حکمرانان آن را به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند و متقابلاً افزایش نرخ بیکاری را می‌توان ازجمله دلایل اصلی بروز مشکلات اقتصادی - اجتماعی دانست. هدف این مطالعه بررسی تأثیر شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ بیکاری در کشورهای منتخب عضو جنبش عدم تعهد، طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶م، است. نتایج مطالعه مبنی بر تأثیر منفی و بی-معنای شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ بیکاری، گویای ناهماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی با راهبردهای بهبود شاخص نهادی و کاهش نرخ بیکاری و کیفیت نامناسب کیفیت قوانین و مقررات و وجود فساد و اثربخشی پایین دولت در اقتصاد در کشورهای مورد مطالعه است. پس سیاست‌گذاران و مسئولان اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه باید تمهیدات لازم را درخصوص بهبود شاخص نهادی حکمرانی و به‌کارگیری هدفمند نیروی کار به کار گمارند. همچنین، تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی و آزادی اقتصادی بر نرخ بیکاری کشورهای مورد مطالعه منفی و معنادار است. متغیرهای هزینه‌های جبران خدمات نیروی کار و وفور منابع طبیعی نیز بر نرخ بیکاری به ترتیب اثرات مثبت و منفی اما بی‌معنی دارند.

طبقه‌بندی JEL: G38, H10, J21, J60.

واژه‌های کلیدی: شاخص نهادی، نرخ بیکاری، آزادی اقتصادی، کشورهای عضو جنبش عدم تعهد.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۲

** این مقاله مستخرج از طرح تحقیقاتی با عنوان "تأثیر امنیت اقتصادی بر متغیرهای کلان اقتصادی کشورهای منتخب گروه عدم تعهد" است که با حمایت مالی صندوق حمایت از پژوهشگران کشور انجام شده است.

۱. مقدمه

از جمله موضوعات مهم هر جامعه، به‌ویژه، کشورهای در حال توسعه، مبحث بیکاری است. چرا که کاهش بیکاری بستر را برای بهبود سایر متغیرهای کلان اقتصادی فراهم می‌آورد. بیکاری به حالتی گفته می‌شود که در آن افراد تمایل به کار کردن دارند اما موفق به یافتن کار نمی‌شوند و آن را به انواع بیکار آشکار^۱ و پنهان^۲ تقسیم‌بندی می‌کنند. در یک تقسیم‌بندی دیگر، بیکاری را به سه نوع اصطکاکی^۳، فصلی^۴ و ساختاری^۵ تقسیم‌بندی می‌کنند. بیکاری هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی^۶ بالایی دربردارد و اثرات نامطلوبی بر ساختار اقتصاد برجای می‌گذارد (پیاجواد^۷، ۱۹۹۷). بیکاران با ناامنی مالی مواجه هستند که این امر منجر به فقر و بدهی آنان می‌گردد. همچنین، باید یادآور شد که انواع خاصی از فعالیت‌های مجرمانه به طور مستقیم با بیکاری ارتباط دارند (جاهودا^۸، ۱۹۸۲، رافائل و وینترابمر^۹، ۲۰۰۱ و لین^{۱۰}، ۲۰۰۸). بیکاری همچنین انتظارات افراد را در مورد محیط کسب و کار و تولید بی‌ثبات می‌نماید و با کاهش تقاضا، که ناشی از درآمد پایین است، سرمایه‌گذاری خصوصی نیز محدود می‌گردد. پس می‌توان اظهار داشت که مقوله بیکاری برای دولتمردان و سیاستمداران اقتصادی بسیار قابل توجه است، به طوری که می‌توان بیکاری را یکی از دلایل مستقیم و غیرمستقیم مشکلات اجتماعی و اقتصادی دانست که می‌تواند منجر به بی‌ثباتی سیاسی گردد و در مقابل بی‌ثباتی سیاسی نیز می‌تواند نرخ بیکاری را افزایش دهد (فورستاتر^{۱۱}، ۲۰۰۲). بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر و تعیین‌کننده نرخ بیکاری جهت ارائه راهکارهایی در راستای کاهش نرخ بیکاری و استفاده حداکثری از نیروی کار بالقوه بسیار ضروری می‌نماید.

۱. تعریف معمول از بیکاری که در آن فرد توانایی و تمایل به کار دارد اما فرصت شغلی پیدا نمی‌کند را بیکاری آشکار گویند.

۲. به حالتی اطلاق می‌گردد که در آن فرد شغل دارد اما در رابطه با تخصص فرد نیست و بهره‌وری آن بسیار پایین است.

۳. این نوع از بیکاری به زمان بیکاری فرد بین از دست دادن شغل و پیدا کردن شغل جدید گفته می‌شود.

۴. این نوع از بیکاری زمانی اتفاق می‌افتد که در دوره زمانی خاص و به علت‌های مشخص تقاضا برای شغل مورد کاهش می‌یابد.

۵. این نوع از بیکاری ناشی از تغییر ساختار اقتصاد هر کشور است.

۶. مطالعه (Linn et al (1985) و Frese and Mohr (1987) حاکی از تأثیر مثبت بیکاری بر بیماری‌های روانی است.

7. Piachaud

8. Jahoda

9. Raphael and Winterebmer

10. Lin

11. Forstater

در مطالعات اولیه در مورد علل بیکاری، بیشتر بر عواملی مانند دستمزد و سرمایه گذاری تأکید می شد اما مطالعات اخیر بر عوامل دیگر از جمله عوامل نهادی تأکید دارند. وجود نهادهای حقوقی و اجتماعی باعث می شود قراردادهای و توافقات به عمل آمده در سطوح مختلف یک کشور از ضمانت اجرایی برخوردار باشد. این امر منجر به تقویت نهاد حکمرانی در سیستم اجتماعی و کاهش هزینه مبادلات اقتصادی می شود، که همه باعث می شود قراردادهای و توافقات به عمل آمده در سطوح مختلف یک کشور از ضمانت اجرایی برخوردار باشد (نورث^۱ ۱۹۹۰).

بهبود شاخص های نهادی در هر کشور از جمله ضرورت های اقتصادی است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که یکی از مهم ترین نهادها، کیفیت حکمرانی است. شاخص حکمرانی را می توان به صورت یک چارچوب نهادی که مشوق و موجب اعتماد خاطر فعالان اقتصادی برای تلاش بیشتر و امنیت فیزیکی افراد و امنیت حقوقی معاملات است، تعریف کرد (هاشمیان اصفهانی و گرجی، ۱۳۸۶). کافمن و همکاران^۲ (۲۰۰۹)، حکمرانی خوب را نهادها و آداب و رسوم رسمی و غیررسمی تعریف می کنند که به وسیله آنها قدرت در جهت مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می گردد.

از این رو در این مطالعه تأثیر بهبود شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ بیکاری طی دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲م در کشورهای منتخب عضو گروه عدم تعهد شامل ایران با استفاده از روش اقتصادسنجی داده های ترکیبی بررسی می شود.^۳ علت انتخاب نمونه مورد نظر وضعیت نامناسب شاخص های حکمرانی و بیکاری و عضویت بیشتر کشورهای در حال توسعه و کشورهای همسایه و شرکای تجاری ایران در این گروه است زیرا در بسیاری از برنامه های اقتصادی طراحی شده برای ایران، برخی از کشورهای این گروه به عنوان هدف تعیین شده اند. در همین راستا این سؤال مطرح می شود که نهادها چه تأثیری بر نرخ بیکاری کشورهای مورد بررسی دارند و فرضیه تأثیر منفی نهادها بر نرخ بیکاری آزمون می گردد. لذا در بخش دوم مبانی نظری و در بخش سوم مطالعات تجربی مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش چهارم، نتایج تخمین را ارائه می نمایم و در بخش آخر مطالعه، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها را دربرمی گیرد.

1. North

2. Kaufmann, et al

۳. دوره زمانی مورد استفاده در این مطالعه حداکثر بازه زمانی با توجه به دسترسی به شاخص نهادی حکمرانی است.

۲. مبانی نظری

یکی از بازارهای مهم که ارتباط زیادی با بازارهای دیگر دارد، بازار کار است و عدم تعادل آن هزینه‌های زیادی را بر کشورها تحمیل می‌کند و نرخ بیکاری یکی از شاخص‌های ارزیابی اقتصاد کشورها محسوب می‌شود. در کشورهای در حال توسعه با وجود فراوانی نسبی فیزیکی نیروی کار معمولاً به دلایلی مانند رشد بالای جمعیت، به کارگیری فناوری‌های سرمایه‌بر و عدم تناسب فراوانی نسبی فیزیکی نیروی کار با فراوانی نسبی قیمتی آن، شاهد بیکاری بخشی از جمعیت فعال آماده به کار در این کشورها هستیم و مطالعات زیادی برای شناسایی عوامل تأثیرگذار بر این بازار و نرخ بیکاری صورت گرفته است که علاوه بر عوامل سنتی (تولید و هزینه نیروی کار) عوامل دیگری از جمله نهادها مطرح شده است. بهبود شاخص نهادی حکمرانی تأثیر مثبت بر مؤلفه‌های کلان اقتصادی، از جمله ساختار بازار نیروی کار و اشتغال، دارد (کافمن و همکاران، ۲۰۰۹). در ادامه به نحوه اثرگذاری هر کدام از مؤلفه‌های حکمرانی بر نرخ بیکاری خواهیم پرداخت.

شایان توجه است که با توسعه شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی، افراد جامعه در روند سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حضور فعال‌تری دارند، افراد بااطمینان و آرامش خاطر بیشتری قادر به تصمیم‌گیری در مورد جریانات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهند بود و این امر دولت و افراد را قادر خواهد ساخت با انگیزه مضاعف به کشف و پرورش استعدادها و مهارت‌ها بپردازند و با افزایش اشتغال، کارایی و بهره‌وری، رونق اقتصادی را به وجود آورند (شین^۱، ۲۰۰۳؛ دلا پورت^۲، ۲۰۰۷؛ بورک و فریزر^۳، ۲۰۱۲). به عبارت دیگر، با ایجاد فضایی امن جهت اظهارنظر عموم افراد و همچنین شفافیت عملکرد مسئولان و پاسخگویی از جانب آنان، نه تنها افراد جامعه قادر خواهند بود مهارت‌های خود را شناسایی و ارائه کند و دولت قادر خواهد بود افراد را با توجه به حرفه و مهارت‌های خاص آنان به کار گماشته و از استعدادهای بالقوه نیروی کار حداکثر استفاده را نماید. در نتیجه این روند شاهد افزایش سرمایه‌گذاری‌های و ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری خواهیم بود. همچنین، با ایجاد ثبات سیاسی و نبود خشونت در جامعه، از طرفی برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذی دولت‌های مختلف روند یکسانی را طی خواهند نمود، راهبردها و سیاست‌های اتخاذی دولت نتیجه بخش واقع می‌گردد و، از طرف دیگر، با نبود خشونت و حاکمیت فضای امن و آرام بر جامعه، افراد بیشتر به سمت برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت که لازمه رشد و توسعه اقتصادی است روی می‌آورند و، در

1. Shen

2. De la Porte

3. Burke and Fraser

نتیجه، نرخ بیکاری کاهش خواهد یافت. حال آنکه در وضعیت بی‌ثبات سیاسی و حضور خشونت زیاد در جامعه افراد به سمت فعالیت‌های کوتاه‌مدت و زودبازده می‌روند (مهانا^۱، ۲۰۰۳؛ دوکولیاگوس و اولوباسوقلو^۲، ۲۰۰۴). شایان توجه است برخی راهبردهای اقتصادی در بلندمدت اثربخش خواهند بود، به عنوان نمونه راهبردهای دولتی در راستای به‌کارگیری نیروی کار و کاهش نرخ بیکاری، از جمله راهبردهای سیاستی است که نیازمند هماهنگی و یکدستی تمام اجزاء حکمرانی در بلندمدت است. پس با ایجاد رویه‌ای منظم و یکپارچه جهت ایجاد اشتغال در چشم‌انداز بلندمدت، اقتصاد شاهد گسترش بستری جهت به‌کارگیری نیروی کار و کاهش بیکاری خواهد بود (ژاو و هوانگ^۳، ۲۰۰۹).

حاکمیت قانون عموماً به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب شناخته می‌شود، حکمران از کانال اجرای دقیق قوانین، ایجاد محافل قضایی عادل، منصف و مستقل و هماهنگی هرچه بیشتر قوانین از جمله قوانین بازار کار در راستای حمایت از کارجویان و شاغلان و کارفرمایان، هر چه بیشتر اوضاع را برای بهبود فضای کسب و کار مهیا می‌کند و نرخ بیکاری را کاهش می‌بخشد. بهبود فضای کسب و کار، رفع موانع و قوانین غیرضروری برای راه‌اندازی مشاغل، تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی کاربردی و مهارتی برای کارجویان فنی از جانب دولت به طور عادلانه برای عموم افراد، بازنگری قوانین در حالت کلی و قوانین بازار کار، به طور خاص، و نظارت مستقیم بر اتحادیه‌های کارگری و اصناف از جمله عملکردهای دولتی به منظور کمک به حل مشکل بیکاری از کانال طرح برنامه‌ها و تدوین قوانین است (تیتو و همکاران^۴، ۲۰۰۰؛ امه و همکاران^۵، ۲۰۱۲؛ ان‌توکو^۶، ۲۰۱۳). از دیگر شاخص‌های حکمرانی خوب، مهار فساد است. درخور ذکر است که با کاهش فساد، بازدهی فعالیت‌های اقتصادی افزایش می‌یابد و در ادامه از طریق رونق تولید و ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری، فعالان بخش خصوصی با اطمینان خاطر بیشتر به سمت سرمایه‌گذاری‌های پربازده و سودآور روی می‌آورند^۷ و بدیهی است که با ادامه این روند زمینه برای ایجاد اشتغال و جذب نیروی کار بیشتر و کاهش نرخ بیکاری آماده می‌گردد (ترنتینی و کوپارانوا^۸، ۲۰۱۳؛ دوتا و همکاران^۹، ۲۰۱۳). همچنین با توجه

1. Mehanna
2. Doucouliagos and Ulubasoglu
3. Zhao and Huang
4. Tito, et al
5. Emeh, et al
6. Ntoko

۷. برای مطالعه در این زمینه می‌توان به مطالعات زیر رجوع کرد:

- Acemoglu (1995), Acemoglu and Robinson (2000), Parente and Prescott (1999).
 8. Trentini and Koparanova
 9. Dutta, et al

به اینکه فساد به کل ساختار اجتماعی نفوذ می‌کند و با رواج فساد غالباً پروژه‌های ناکارآمد اجرا می‌گردند، فضای رانت‌خواری بر اقتصاد حاکم می‌گردد، انحراف و اتلاف منابع رخ می‌دهد و منافع جامعه تأمین نمی‌گردد (الصدیق^۱، ۲۰۱۰؛ آماراندی^۲، ۲۰۱۳). بنابراین حکمرانی خوب از طریق حذف کانال‌های ایجاد فساد، هماهنگی منافع افراد و جامعه، ارتقای نقش و اثربخشی قانون و هر یک از زیر شاخص‌های آزادی اقتصادی (حجم و اندازه دولت، ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به نقدینگی سالم، آزادی تجارت خارجی و قوانین مالی، بازار کار و تجارت) نه تنها با ایجاد فضای امن، سود و بازدهی عمومی اقتصادی را ارتقاء می‌بخشد، بلکه فضای کسب و کار نیز بهبود می‌یابد که به نظر می‌رسد بهبود فضای کسب و کار از جمله اصلی‌ترین ارکان کاهش بیکاری تلقی می‌گردد.

از دیگر موارد مؤکد جهت ارتقای شاخص حکمرانی خوب، اثربخشی و کارآمدی راهبردها و سیاست‌های اتخاذی دولت است. دولت‌ها در قرن ۲۱ و به منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری از طریق شناخت کامل ساختار اقتصادی کشور و با رویکرد اقتصاد دانش‌بنیان مبنی بر توسعه مؤلفه‌های نوین علم و دانش، باید یک ترکیب سیاستی کارآمد اتخاذ نماید که از موفقیت اجرای آن مطابق با اهداف اقتصاد دانش‌بنیان، حداکثر اطمینان را از بازدهی مناسب محیط کسب و کار برای سرمایه‌گذاران ایجاد کند تا موجب بهبود فرصت‌های شغلی، به‌ویژه در قالب بازار عوامل جدید تولید و کاهش نرخ بیکاری و افزایش درآمد و رفاه اقشار جامعه باشد. در نتیجه، فعالان اقتصادی با بینش صحیح از فعالیت‌های اقتصادی، به سمت کارآفرینی و فعالیت‌های نوآورانه گرایش پیدا می‌کنند و، در نتیجه، آن ترکیب اشتغال تغییر کرده و بیکاری می‌تواند کاهش یابد (لوسیفورا و موریسونی^۳، ۲۰۰۸).

شاخص کیفیت تنظیم‌کنندگی قانون نیز بیشتر بر حضور فعال و رقابتی بخش خصوصی در اقتصاد تمرکز دارد. این امر که فعالیت‌های بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی دارای کارایی و سوددهی بیشتری است در مطالعات زیادی اثبات شده است و با فعالیت مستمر بخش خصوصی، امکان ارتقای بهره‌وری نیروی کار و کاهش نرخ بیکاری، بیشتر فراهم می‌گردد (سبودا^۴، ۲۰۱۰). حکمران خوب همواره باید به دنبال رفع موانع حضور بخش خصوصی در اقتصاد باشد و دولت و بخش خصوصی را به عنوان مکمل همدیگر ببیند تا از تمام فرصت‌های جامعه بهره‌برداری شود و زمینه برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و بهره‌برداری بهتر از فرصت‌های موجود بیشتر فراهم شود.

1. Al-sadig
2. Amarandei
3. Lucifora and Moriconi
4. Sebudubudu

از دیگر موضوعات مهم که برای بیشتر کشورهای در حال توسعه اهمیت خاصی دارد، بحث منابع طبیعی است زیرا به‌رغم بهره‌مندی این کشورها از منابع طبیعی فراوان، شاهد رشد غیرمستمر اقتصادی، نرخ تورم بالا، نرخ بالای بیکاری، سهم اندک در اقتصاد جهانی و رشد اندک بهره‌وری در این کشورها هستیم. تأثیر وفور منابع طبیعی بر بیکاری کشورهای در حال توسعه را می‌توان در دو اثر مستقیم و غیرمستقیم جستجو کرد. اثر مستقیم آن است که افراد در بخش‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با منابع طبیعی سروکار دارند مشغول به کار شوند و انتظار تأثیر منفی آن بر بیکاری می‌رود. اثر غیرمستقیم برمی‌گردد به نحوه مدیریت وجوه حاصل از فروش منابع طبیعی برمی‌گردد که به نظر در بلندمدت این اثر غیرمستقیم دارای اهمیت بیشتری باشد. آنچه که مهم است استفاده از وجوه حاصل از فروش منابع طبیعی در راستای اصلاح ساختار اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان است که در این صورت می‌توان ثروت‌های تجدیدناپذیر را به ثروت‌های تجدیدپذیر تبدیل کرد و فرصت‌های شغلی پایدار با ارزش افزوده بالا ایجاد کرد. زیرا در قرن ۲۱ که اقتصادهای پیشرفته متکی بر اقتصاد دانش‌بنیان هستند نقش سرمایه‌های دانش در اقتصاد نسبت به دیگر سرمایه‌ها تعیین‌کننده‌تر است. حال این حکمران خوب است که با تدابیر علمی و منطبق با واقعیات و هدفمند اقدام به تبدیل ثروت‌های تجدیدناپذیر به ثروت‌های تجدیدپذیر در قالب ثروت دانش و تغییر در ترکیب شاغلین گام برمی‌دارد.

۳. مطالعات تجربی

امه (۲۰۱۲) به بررسی مشکل بیکاری جوانان در نیجریه پرداخته است. وی بیان داشته است که ۷۰ درصد از جمعیت ۱۵۰ میلیونی نیجریه را جوانان تشکیل می‌دهند، ۷۱ درصد جوانان نیجریه بیکارند و اکثریت آنها فارغ‌التحصیلان جوان بالای ۲۰ سال هستند. از آنجایی که نیجریه با جمعیت فراوان به‌خصوص نیروی کار جوان مواجه است، لذا شاه‌کلید حل مشکل بیکاری در این کشور، توسعه سرمایه انسانی است که در نیجریه تحت عنوان توسعه جوانان شناخته می‌شود. نکته مورد تأکید نویسنده این مقاله آن است که مقارن با برنامه توسعه جوانان، دیگر عوامل نظیر بودجه و حکمرانی خوب نیز باید مورد توجه قرار گیرد و حصول اطمینان از حکمرانی خوب و مدیریت صحیح منابع طبیعی از کانال بهبود شاخص نهادی حکمرانی این امر را تضمین می‌نماید که توسعه برنامه‌های راهبردی جهت جذب و به‌کارگیری نیروی جوان منجر به کاهش بیکاری می‌گردد. به عبارت دیگر، مکمل توسعه برنامه‌های راهبردی جهت جذب و به‌کارگیری نیروی جوان، وجود حکمرانی خوب است که می‌تواند مشکل بیکاری را رفع نماید. امه، سرانجام توصیه‌هایی را در این زمینه ارائه می‌نماید که عبارت‌اند از: کاهش گسترده شاخص فساد سیاسی،

مدیریت صحیح منابع طبیعی از کانال بهبود شاخص‌های نهادی، توسعه برنامه‌های راهبردی جهت جذب و به کارگیری نیروی جوان همراه با توسعه مهارت‌های کسب و کار آفرینی.

عبداللهی^۱ (۲۰۱۲)، به بررسی وضعیت اقتصادی نیجریه می‌پردازد که عمده فعالیت در این کشور کشاورزی است. نیجریه به رغم اجرای برنامه‌های متعدد جهت رفع بیکاری، همچنان با مشکل بیکاری مواجه است. مطابق با آمار منتشر شده از سوی دفتر ملی آمار^۲ کشور نیجریه، در سال ۲۰۱۰م، ۶۹/۹ درصد از جمعیت نیجریه، توان تهیه مواد غذایی، سرپناه و پوشاک را نداشته‌اند. عبداللهی دلایل بیکاری در نیجریه را شامل موارد ذیل می‌داند: ۱. مدیریت ضعیف اقتصاد: فقر توده گسترده مردم نیجریه به دلیل مدیریت ضعیف دولت‌های پی در پی در نیجریه است. سوءاستفاده از منابع نفتی و رواج فساد در نیجریه، منجر به نابودی بسیاری از صنایع ارتباط ملی و صنایع پربازده اقتصاد نیجریه شده است. ۲. سرمایه‌گذاری ضعیف: نیجریه با نارسایی دولت برای ایجاد محیط مناسب برای فعالیت بخش خصوصی و ایجاد فرصت‌های شغلی مواجه شده است. ۳. بحران اقتصادی جهان: این بحران مشکل بیکاری را در سراسر جهان، به ویژه، در کشورهای در حال توسعه، مانند نیجریه دامن زده است. ۴. رویکردهای اشتباه در ایجاد اشتغال: سیاست‌های اشتباه دولت نیجریه در ایجاد اشتغال تاثیر زیادی بر تشدید بحران بیکاری در این کشور داشته است. ۵. زیرساخت‌های ضعیف: توسعه و رشد کسب و کار در نیجریه با زیرساخت‌های ضعیف و فقیر مانند نبود راه‌ها و جاده‌های مناسب، برق ضعیف و... محدود شده است. ۶. عدم دسترسی به آموزش‌های کار آفرینی: سیستم ضعیف آموزشی و عدم ارائه برنامه‌های آموزش کار آفرینی و شکوفایی مهارت‌ها و استعدادهای نیروی جوان، به خصوص فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، موجب تضعیف بازار کار نیجریه شده است.

لینچ و همکاران^۳ (۲۰۱۲)، ارتباط توسعه مداوم و باثبات و حکمرانی خوب را بررسی می‌کند. آنان بیان داشته‌اند که رابطه بین حکمرانی خوب و توسعه از ابتدا برقرار نیست و ایجاد آن نیازمند زمان است. وی آشکارترین شواهد و ماحصل حکمرانی خوب را رفع بیکاری و افزایش اشتغال جوانان، کاهش نرخ مرگ و میر کودکان، افزایش امید به زندگی، ارتقاء سطح آموزش و بهداشت و تجهیز زیرساخت‌ها می‌داند. همچنین، مطابق با شواهد موجود، منطقه منا^۴ بالاترین نرخ بیکاری در جهان را دارد که

1. Abdullahi

2. National Office of Statistics

3. Lynch et al

۴. کشورهای منطقه منا به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا شامل الجزایر، بحرین، مصر، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، یمن، امارات متحده عربی، لیبی، مراکش، عمان، فلسطین، قطر، عربستان، سوریه و تونس گفته می‌شود.

حدود ۱۰/۳ درصد است. از طرفی شاغلان منطقه منا نیز نسبت به سایر مناطق جهان، دستمزد ناکافی می‌گیرند. مسئله بیکاری جوانان در این منطقه به عنوان بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی منطقه معرفی شده است. ۶۰ درصد از جمعیت منطقه منا را جوانان تشکیل می‌دهند. اگرچه بسیاری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا اقتصادهای نفتی هستند، اما درآمدهای نفتی تأثیری بر ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری نداشته است. به عنوان نمونه، در عربستان سعودی که صادرکننده بزرگ نفت است، نرخ بیکاری جوانان به ۲۵/۹ درصد رسیده است. از طرفی ۲۵/۲ درصد از زنان منا شاغل هستند، در حالی که بیش از ۵۰ درصد از زنان دیگر مناطق در حال توسعه فعال و شاغل هستند.

سبودوبودا (۲۰۱۰)، بیان می‌کند که در دهه اخیر حکمرانی خوب در کشور بوتسوانا^۱ تغییرات زیادی را در اقتصاد این کشور به وجود آورده است، به طوری که نرخ بیکاری به ۱۷/۶ درصد کاهش یافته است. حکمرانی خوب یکی از پیش‌شرط‌های اساسی توسعه، کاهش بیکاری و کاهش فقر است. اما به‌رغم تغییرات مثبت در اقتصاد بوتسوانا نظیر افزایش و بهبود سطوح آموزشی و نرخ باسوادی، تأثیرات مثبت بهبود تحصیلات از طریق برنامه‌های ضعیف محدود شده است و تا زمانی که ارتباط بین نهادهای آموزشی و بازار کار ضعیف است شاهد افزایش بیکاری نیروی کار تحصیل کرده خواهیم بود. این امر منجر به عدم تطبیق فارغ‌التحصیلان با نیازهای بازار کار در اقتصاد و، در نتیجه، بیکاری افراد تحصیل کرده مواجه می‌گردد.

سن‌روی و سامانتا^۲ (۲۰۰۹) به وجود رابطه بین ویژگی‌های اصلی شاخص نهادی حکمرانی و عملکرد قانون ملی تضمین اشتغال روستایی در غرب بنگال پرداخته است. هدف این قانون‌گذاری تشویق افراد برای افزایش ساعات کار در بنگال است. شاخص‌های مورد استفاده در قالب ۵ متغیر مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی و تساوی حقوق تعریف و به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که ضریب شاخص تساوی از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، مشارکت زنان در اقتصاد در کاهش بیکاری اثر منفی بر جای می‌گذارد. شاخص پاسخگویی نیز معنادار است و اثر منفی بر بیکاری دارد. بنابراین، نتیجه کلی این تحقیق دال بر این است که بین تعداد ساعات کاری ایجادشده و شاخص‌های فوق‌الذکر رابطه برقرار است و بهبود عملکرد حکومتی و دولتی می‌تواند انگیزه‌ای برای افزایش تعداد ساعات کاری و به‌کارگیری نیروی کار بیشتر ایجاد نماید.

1. Bostwana

2. Sen Roy and Samanta

لوسیفور و موریسونی^۱ (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان "بی‌ثباتی سیاسی، قوانین بازار کار و بیکاری"، قوانین دولتی بازار کار و اصلاحات سیاسی اقتصاد را بررسی نموده و بیان داشته‌اند در حالی که منطق برای مداخله دولت در بازار کار با نیاز به اصلاح عیوب بازار ارتباط دارد، اما هنوز روشن نیست که چرا مقررات دولتی در بازار کار خیلی نافذ و فراگیر و اجرای اصلاحات بسیار دشوار است. نتایج مطالعه برای ۲۱ کشور OECD^۲، طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۸۵م، حاکی از آن است که در کشورهایی که روند سیاسی، پایداری کمتری دارد، مداخله دولت در بازار کار بیشتر و به طور متوسط بیکاری بالاتر است. وی در مجموع معتقد است که سیاست‌های بازار کار و اشتغال زمان‌بر هستند و کارآمدی این سیاست‌ها به ثبات سیاسی که از جمله شاخص‌های حکمرانی است بستگی دارد. پس از مرور مطالعات صورت گرفته در خصوص تأثیر متغیر نهادها بر نرخ بیکاری می‌توان بیان کرد که متغیرهای ذکر شده در کاهش نرخ بیکاری مؤثر هستند.

۴. تشریح مدل و داده‌ها

در این بخش به پیروی از مطالعات تجربی و تبیین رابطه نهادها با نرخ بیکاری در بخش پیشینه موضوع، معادله در نظر گرفته شده به صورت زیر است:

$$UNEM_{it} = C + \beta_1 * GDP_{it} + \beta_2 * WAGE_{it} + \beta_3 * EF_{it} + \beta_4 * RES_{it} + \beta_5 * INS_{it} + \beta_6 * (RES_{it} * INS_{it}) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

UNEM، نرخ بیکاری، GDP، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰، WAGE: هزینه‌های جبران خدمات نیروی، EF، آزادی اقتصادی، RES، مجموع مبالغ حاصل از فروش نفت، گاز، زغال سنگ، مواد معدنی و جنگلی بصورت درصدی از تولید ناخالص داخلی، INS، نهادها است. ε نشان‌دهنده جزء خطا، i نشان‌دهنده کشور و t نشان‌دهنده زمان است. همچنین معادله به صورت لگاریتمی به کار برده می‌شوند. نمونه مورد بررسی در این مطالعه شامل ۷۸ کشور منتخب از ۱۲۰ عضو گروه عدم تعهد است^۳. شایان ذکر است که دوره زمانی مطالعه ۱۹۹۶-۲۰۱۲م و تمامی داده‌ها به

1. Lucifora and Moriconi

2. The Organisation for Economic Co-operation and Development

۳. دلیل انتخاب کشورهای مورد بررسی، دسترسی به داده‌های مورد نیاز است و اسامی کشورهای منتخب در پیوست (۱) آمده است.

استثنای شاخص آزادی اقتصادی از پایگاه بانک جهانی^۱ (۲۰۱۴) گرفته شده است. داده‌های شاخص آزادی اقتصادی از داده‌های موسسه فریزر^۲ (۲۰۱۴) گرفته شده است. برای نشان دادن این متغیر از شاخص‌های حکمرانی که از سوی بانک جهانی ارائه گردیده است، استفاده می‌شود. بدین صورت که شاخص کلی به صورت میانگین حسابی از ۶ شاخص حاصل می‌شود. در ادامه برای بررسی دقیق‌تر، ۶ شاخص در ۳ گروه طبقه‌بندی می‌شوند (گروه اول شامل میانگین حسابی ۲ شاخص شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون حضور خشونت حاصل می‌شود^۳ (V&P). گروه دوم شامل میانگین حسابی ۲ شاخص اثربخشی دولت و کیفیت تنظیم‌گری مقررات حاصل می‌شود^۴ (E&R). گروه سوم شامل میانگین حسابی ۲ شاخص تأمین قضایی و کنترل فساد حاصل می‌شود^۵ (R&C).

در بررسی آماری این متغیر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است، وضعیت کشورهای مورد بررسی در این متغیر نامناسب می‌باشد و روند این متغیرها در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲م روندی نبوده است که شاهد تغییر جدی و مطلوب در بهبود این متغیرها باشیم.

جدول ۱. میانگین شاخص کلی حکمرانی و شش مؤلفه تشکیل‌دهنده آن

شاخص کلی	شفافیت و پاسخگویی	ثبات سیاسی	اثربخشی دولت	تنظیم‌گری مقررات	تأمین قضایی	کنترل فساد
میانگین	-۰/۵۱	-۰/۴۵	-۰/۳۵	-۰/۳۲	-۰/۴۳	-۰/۴۰

مأخذ: <http://info.worldbank.org/governance/wgi>

ارتباط رشد تولید و بیکاری از جمله مسائل اقتصادی است که در بین اقتصاددانان و راهبردهای رشد و توسعه اقتصادی بسیار مورد بحث قرار گرفته است. ارتباط بین تغییرات در تولید و نرخ بیکاری یک ارتباط ثابت نیست، بلکه بسته به زمان و وضعیت کشورها متفاوت است. دلایل نبود رابطه ثابت بین رشد تولید و نرخ بیکاری را به طور عام باید در کیفیت مشاغل ایجاد شده، تعداد ساعات اشتغال به کار در هفته و مولد بودن آنها و، همچنین، بهره‌وری نیروی کار که خود تابعی از توانمندی‌های علمی، مهارتی و انگیزشی مرتبط با شغل است و تأثیر بسزایی در افزایش میزان تولید ناشی از افزایش نیروی به

1. World Bank
2. Fraser Institute
3. Voice and Political
4. Effectiveness and Regulatory
5. Rule and Corruption

کار گرفته شده خواهد داشت، جستجو کرد. پس رشد تولید می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری بینجامد، اما در صورتی که رشد تولید براساس اصول اقتصاد دانش بنیان از کانال‌هایی نظیر بهبود سرمایه انسانی، بهبود شاخص‌های رقابت‌پذیری، ارتقای بهره‌وری و راهبردهای کاربر و... محقق گردد، قطعاً تأثیر فزاینده و باثبات بیشتری بر کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال خواهد داشت (چانگ کون^۱، ۲۰۰۷؛ پیسارادیس و والانتی^۲، ۲۰۰۷؛ خان و همکاران^۳، ۲۰۰۸؛ مورنوگالیس^۴، ۲۰۱۲ و سیال و همکاران^۵، ۲۰۱۳) در کارهای خود از این متغیر استفاده می‌کنند.

وفور منابع طبیعی عامل تعیین‌کننده‌ای در نرخ بیکاری محسوب می‌شود. اقتصادهای دارای منابع طبیعی از یک ثروت عظیم خدادادی برای رشد و بهبود اقتصادی برخوردار هستند. اما وابستگی شدید و همه‌جانبه به ثروت‌های طبیعی در برخی کشورها باعث تبدیل شدن این نعمت به نعمت شده است. شایان توجه است که فراوانی ثروت‌های طبیعی در اقتصادهای در حال توسعه جایگاه بسیار مهمی را به خود اختصاص داده است و به علت فقدان مدیریت بهینه، درآمدهای حاصل از فروش این منابع، وفور منابع طبیعی در اکثر کشورهای در حال توسعه به جای یک فرصت تبدیل به تهدیدی جدی برای ثبات اقتصادی شده است و بر شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله بیکاری اثر تخریبی داشته است. فراوانی منابع هم می‌تواند با تأمین منابع بستر ساز اشتغال و کاهش نرخ بیکاری و هم می‌تواند تخریب‌کننده فضای اشتغال و افزایش‌دهنده نرخ بیکاری باشد زیرا فراوانی منابع طبیعی با پایین آوردن قیمت واقعی منابع مالی و ارزی می‌تواند باعث جایگزینی فناوری‌های سرمایه‌بر به جای فناوری‌های کاربر در کشورهای برخوردار از آن شود که بیشتر آنها وارداتی است و در صورتی که حکمرانی ضعیف باشد باعث وابستگی بیشتر به فناوری‌های وارداتی شده که می‌تواند نرخ بیکاری را افزایش دهد. همچنین فراوانی منابع طبیعی با عرضه فراوان ارز می‌تواند موجب تأمین وزن قابل توجهی از نیازهای مصرفی از کانال واردات شود که می‌تواند بستر ساز کاهش اشتغال و افزایش نرخ بیکاری گردد. البته نباید فراموش کرد در صورتی که وجوه حاصل از فروش منابع طبیعی در راستای اصلاح ساختار اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان باشد، فراوانی منابع طبیعی می‌تواند باعث بهبود ساختار اشتغال و کاهش‌دهنده نرخ بیکاری باشد. بنابراین، تأثیر مثبت یا منفی وفور منابع طبیعی بر نرخ بیکاری به کیفیت حکمرانی و نحوه استفاده حکمران از وجوه حاصل از منابع طبیعی برمی‌گردد. به منظور بررسی تأثیر متقابل فراوانی

1. Chang Kon
2. Pissarides and Vallanti
3. Khan et al
4. Moreno-Galbis
5. Siyal et al

منابع طبیعی با شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ بیکاری، این امر توسط حاصل ضرب دو متغیر حکمرانی و فراوانی منابع طبیعی در معادله گنجانده شده است. برک و هافمن^۱ (۲۰۰۲) و فرزین و آکائو^۲ (۲۰۰۶) در کارهای خود از این متغیر استفاده می کنند.

هزینه های نیروی کار به عنوان متغیر تأثیرگذار بر نرخ بیکاری در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از مهم ترین و مستقیم ترین عاملی که بر هر متغیر اثرگذار است، هزینه های انجام شده برای آن متغیر است و نیروی کار نیز از این قاعده مستثنی نیست. زیرا فعالان اقتصادی در راستای حداکثر کردن سود قادر به انتخاب ترکیب عوامل تولید متناسب با قیمت نسبی و بهره وری نسبی آنان هستند. لیموس^۳ (۲۰۰۴)، نیومارک و واشر^۴ (۲۰۰۷)، موخرجی^۵ (۲۰۰۹) و بورات و همکاران^۶ (۲۰۱۲) در کارهای خود از این متغیر استفاده کرده اند.

متغیر آزادی اقتصادی دیگر متغیر نهادی است که تأثیر آن بر نرخ بیکاری مورد بررسی قرار گرفته است. این شاخص نشان دهنده قابلیت اعضای یک جامعه برای انجام کنش های اقتصادی است و از جمله متغیرهای نهادی است که اخیراً برای تفاوت سطح اشتغال بین کشورها مورد بررسی قرار می گیرد. این متغیر از ۵ شاخص حجم و اندازه دولت، ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به نقدینگی سالم، آزادی تجارت خارجی و قوانین مالی، بازار کار و تجارت تشکیل شده است که با کاهش موانع قانونی تجارت، دسترسی به نقدینگی سالم، و حمایت مناسب از حقوق مالکیت و وضع قوانین مشوق کسب و کار، می تواند انگیزه را برای گسترش فعالیت های اقتصادی افزایش داده و زمینه را برای ایجاد فرصت های شغلی و کاهش نرخ بیکاری فراهم آورد. کرفت و سوبل^۷ (۲۰۰۵) بر این نظرند که آزادی اقتصادی از طریق گسترش فعالیت های کارآفرینانه اشتغال را افزایش و نرخ بیکاری را کاهش خواهد داد. همچنین، کارابگوویچ و مک ماهون^۸ (۲۰۰۸) نتیجه می گیرند که آزادی اقتصادی با کاهش هزینه های مالی و قانونی، زمینه افزایش اشتغال را فراهم می آورد. فلدمن (۲۰۰۶a، ۲۰۰۶b، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹a، ۲۰۰۹b، ۲۰۰۹c و ۲۰۱۰) طی چندین مطالعه بر روی تأثیر اجزاء مختلف آزادی بر اشتغال و بیکاری بیان می کند که اجزاء آزادی اقتصادی اشتغال را افزایش و نرخ بیکاری را کاهش می دهد.

1. Berck and Hoffmann
2. Farzin and Akao
3. Lemos
4. Neumark and Wascher
5. Mukherjee
6. Bhorat et al.
7. Kreft and Sobel
8. Karabegovic and McMahon

۵. تحلیل نتایج تخمین

هنگام کار با متغیرهایی که شامل داده‌های سری زمانی می‌شود، وجود ریشه واحد در این متغیرها ممکن است به نتایج رگرسیون‌های جعلی منجر شود و نتایج به دست آمده قابل اتکا نباشند. از این رو، قبل از هرگونه تخمین و تجزیه و تحلیل، باید ایستایی متغیرها بررسی شود. در مطالعه حاضر برای بررسی ایستایی متغیرها از آزمون‌های ریشه واحد فیلپس-پرون-فیشر^۱ (PP-Fisher) و آزمون لوین-لین-چو^۲ (Levin) استفاده می‌شود. در این آزمون‌ها فرضیه H_0 دلالت بر نایستایی^۳ متغیرها دارد. همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، تمام متغیرها در سطح ایستا هستند ($I(0)$).

جدول ۲. نتایج آزمون ایستایی متغیرها

متغیر	در سطح				با یک مرتبه تفاضل‌گیری			
	با عرض از مبدأ و روند		با عرض از مبدأ		با عرض از مبدأ و روند		با عرض از مبدأ	
	PP-Fisher	Levin	PP-Fisher	Levin	PP-Fisher	Levin	PP-Fisher	Levin
INS	۱۹۹/۸**	-۳/۲۳*	-۵/۴۶*	۲۲۰/۵*	-۱۸/۴*	۵۶۹*	-۲۲/۱*	۶۷۵/۵*
V&P	۲۰۵/۱**	-۵/۶۶*	-۲/۵*	۱۴۵/۳	-۲۱/۸*	۵۶۷/۷*	-۲۲/۴*	۷۱۵/۷*
E&R	۲۵۷/۴*	-۵/۴۱*	-۷/۸۷*	۲۱۹/۲*	-۲۱/۸*	۵۶۷/۳*	-۲۳/۶*	۷۱۸/۶*
R&C	۲۱۹/۲*	-۵/۲۹*	-۶/۲۲*	۱۹۵/۷*	-۲۲/۱*	۶۶۶/۳*	-۲۳/۵*	۷۵۲/۱*
GDP	۱۴۰/۳	-۴/۳۷*	۴/۹۲	۱۱۳/۵	-۱۷/۸*	۵۱۰*	-۱۵/۷*	۴۹۴/۵*
RES	۲۳۰/۲*	-۹/۲۴*	-۷/۲۷*	۲۰۵/۲*	-۲۷/۹*	۸۱۵/۱*	-۳۰/۵*	۸۵۰/۸*
UNEM	۱۴۴/۹	-۲/۲۴**	-۶/۵*	۲۱۹/۱*	-۱۷/۱*	۵۲۲/۶*	-۱۳/۳*	۵۵۷/۱*
WAGE	۲۲۱/۹*	-۹/۲۵*	-۰/۸۷	۷۰/۷	-۲۵/۸*	۳۷۴/۲*	-۱۶/۵*	۴۱۵/۴*
EF	۲۰۵/۹*	-۹/۱۵*	-۱۰/۷*	۳۲۳/۳*	-۲۰/۶*	۵۱۹/۱*	-۱۹/۹*	۵۲۴/۱*

*, **, *** به ترتیب دلالت بر معنی‌دار بودن در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد دارد

مأخذ: محاسبات تحقیق

پس از بررسی ایستایی متغیرها و به دست آمدن این نتیجه که تمام متغیرها در سطح ایستا می‌باشند، استفاده از داده‌های ترکیبی با استفاده از آزمون لیمر به صورت زیر بررسی می‌شود:

$$F_{(N-1, NT-N-K)} = \frac{(R_{UR}^2 - R_R^2)/(N-1)}{(1 - R_{UR}^2)/(NT - N - K)} \quad (2)$$

1. Phillips-Perron-Fisher
2. Levin-Lin-Chu
3. Non-Stationary

در آزمون بالا R^2_R ضریب تعیین حاصل از مدل مقید (روش حداقل مربعات معمولی) و R^2_{UR} ضریب تعیین حاصل از مدل نامقید (روش داده‌های تابلویی) است. N تعداد واحدها، K تعداد متغیرهای توضیحی و T تعداد مشاهدات در طول زمان است. پس از تعیین استفاده از روش داده‌های ترکیبی، با استفاده از آزمون هاسمن یکی از روش‌های اثرات ثابت^۱ و یا اثرات تصادفی^۲ برای برآورد مدل به صورت زیر مشخص می‌شود (گرین^۳، ۲۰۰۵، ۲۹۸-۳۰۲).

$$H = \left[b_{FE} - \beta^{RE(GLS)} \right] \psi^{-1} \left[b_{FE} - \beta^{RE(GLS)} \right] \quad (۳)$$

$$\psi = Var[b_{FE}] - Var \left[\beta^{RE(GLS)} \right]$$

شایان ذکر است که در تمام برآوردهای این مطالعه، همان‌گونه که در جدول (۳) نشان داده شده است، با استفاده از آماره F و هاسمن، استفاده از روش داده‌های ترکیبی به روش اثرات ثابت تأیید می‌شود.

در جدول (۳) تأثیر متغیرهای مورد نظر بر نرخ بیکاری نمایش داده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد تأثیر متغیر شاخص حکمرانی بر نرخ بیکاری منفی و بی‌معنی است. این نتیجه با کارهای گلازر و ساکس^۴ (۲۰۰۴) و فلدمن^۵ (۲۰۰۹) همسوست. یکی از دلایل تأثیر بی‌معنی متغیر نهادی حکمرانی بر نرخ بیکاری را برای نمونه مورد بررسی وضع نامطلوب شاخص‌های حکمرانی و تغییرات بسیار ناچیز و بطئی شاخص حکمرانی طی دوره مورد مطالعه و، همچنین، ناهماهنگی میان سیاست‌های اشتغال‌زایی با رشد جمعیت^۶ در کشورهای مورد مطالعه دانست که به‌رغم بهبود در دیگر شاخص‌های تأثیرگذار بر نرخ بیکاری، شاهد کاهش نرخ بیکاری نبوده و حتی احتمال افزایش نرخ بیکاری در برخی از کشورهای مورد مطالعه وجود دارد. همچنین مطابق بررسی آماری ۶ مؤلفه حکمرانی در جدول (۱) مقادیر شاخص‌های حکمرانی برای اکثر کشورهای مورد بررسی منفی و تغییرات بسیار بطئی است و همین امر موجب بی‌معنایی شاخص حکمرانی بر نرخ بیکاری است.

1. Fixed Effect
2. Random Effect
3. Greene
4. Glaeser and Saks
5. Feldmann

۶. این موضوع نیز می‌تواند ناشی از ضعیف بودن حکمرانی و وضع قوانین و سیاست‌های نامناسب باشد.

اما باید خاطرنشان ساخت که با توجه به اینکه طرح‌های اشتغال‌زایی عموماً طرح‌هایی هستند که در بلندمدت نتیجه می‌دهد، بهبود شاخص نهادی می‌تواند از طریق ثبات سیاسی (عدم تغییر قوانین و رویکردها با تغییر رهبران سیاسی) انگیزه را برای برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاران در مورد طرح‌های آتی تشویق کرده و موجب سرمایه‌گذاری‌های گسترده گردد و کاهش نرخ بیکاری را افزایش دهد. همچنین، یک محیط امن اقتصادی با ایجاد و حمایت از قوانینی که موجبات بهبود فضای کسب و کار را فراهم می‌کند و می‌تواند باعث تشویق افراد به انجام فعالیت‌های مولد اقتصادی شود و در نتیجه آن، نرخ بیکاری کاهش یابد. همان‌طور که پیشتر بیان شد، یکی از ویژگی‌های متغیر نهادی حکمرانی، وجود فساد در سطح پایین است. بنابراین، بهبود شاخص حکمرانی با کنترل و کاهش فساد در اقتصاد، بازدهی فعالیت‌های مولد اقتصادی در مقایسه فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی مانند دلالی را افزایش داده و انگیزه را برای سرمایه‌گذاری بالا خواهد برد که نتیجه آن، افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری خواهد بود. همچنین حکمرانی خوب با تقویت بخش خصوصی و از میان برداشتن موانع حضور این بخش در اقتصاد، زمینه را برای افزایش کارایی و تغییر ترکیب اشتغال و کاهش نرخ بیکاری فراهم آورد.

مطابق نتایج جدول (۳) تأثیر متغیر ثروت‌های طبیعی بر نرخ بیکاری، منفی اما بی‌معنی است. این متغیر با اثرات مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند منجر به تغییر نرخ بیکاری شود. اثر مستقیم آن این است که با استخدام مستقیم افراد در استخراج و فروش این منابع، نرخ بیکاری را کاهش دهد و اثر غیرمستقیم آن که به نظر مهم‌تر می‌آید به مدیریت استفاده از فروش این منابع برمی‌گردد. در صورتی که منابع حاصله در راستای اصلاح ساختار اقتصادی از منابع بنیان به سمت دانش بنیان صورت گیرد، مطمئناً در بلندمدت شاهد کاهش نرخ بیکاری خواهیم بود اما اگر منابع حاصل از فروش ثروت‌های طبیعی، صرف مخارج مصرفی گردد و یا در زمینه سرمایه‌گذاری‌های با فناوری وارداتی به کار رود و کمتر در پروژه‌های متکی بر فناوری‌های داخلی سرمایه‌گذاری شود، با تأثیر منفی بر دیگر شاخص‌های کلان اقتصادی، در بلندمدت موجب تضعیف ساختار اقتصادی و افزایش نرخ بیکاری خواهد شد. به نظر می‌رسد در کشورهای مورد بررسی در این مطالعه به این دلیل این کشورها قادر به استفاده مطلوب از منابع طبیعی در جهت اصلاح ساختار اقتصادی و اصلاح ترکیب اشتغال برای حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان و افزایش قدرت رقابت‌پذیری نبوده است شاهد بی‌معنی بودن ضریب تخمینی این متغیر بر نرخ بیکاری هستیم.

در مورد اثرات متقابل فراوانی ثروت‌های طبیعی با شاخص حکمرانی بر نرخ بیکاری، همان‌گونه که در جدول (۳) نشان داده شده است، این اثر منفی و بی‌معنی است که هنگام بررسی اثرات مستقیم این دو متغیر بر نرخ بیکاری نیز بی‌معنی بودن اثرات آنها بر نرخ بیکاری نشان داده شد. در واقع اگر در

کشورهایی که از ثروت‌های طبیعی برخوردارند، شاخص حکمرانی از سطح مناسبی برخوردار باشد، انتظار این است که با مدیریت مناسب وجوه حاصل از فروش منابع طبیعی در راستای تقویت ساختار اقتصادی و استفاده از عوامل جدید تولید، تأثیر منفی متغیر ثروت‌های طبیعی بر نرخ بیکاری تقویت گردد. لذا می‌توان بی‌معنا بودن ضریب تخمینی متغیر اثرات متقابل حکمرانی با وفور منابع طبیعی را نامناسب بودن شاخص حکمرانی و فاصله داشتن با وضع مطلوب دانست که منجر به عدم استفاده مطلوب از ثروت‌های تجدیدناپذیر در راستای بهبود ساختار اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری گردیده است.

مطابق نتایج جدول (۳) تأثیر متغیر آزادی اقتصادی (EF) بر نرخ بیکاری، منفی و معنی‌دار است. این نتیجه با کارهای اشبی^۱ (۲۰۰۷)، گارت و رهن^۲ (۲۰۱۱) و پتانیک و نیاک^۳ (۲۰۱۳) همسوست. در واقع، هر کدام از زیرشاخص‌های آزادی اقتصادی یعنی اندازه دولت، ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به نقدینگی سالم، آزادی تجارت خارجی و قوانین مالی، بازار کار و تجارت با کاهش هزینه‌های مالی، اداری و زمانی می‌تواند اشتغال را افزایش دهد. همچنین، این متغیر می‌تواند با افزایش کارایی قوانین در امر تخصیص منابع و افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری از طریق دادن آزادی کافی برای سرمایه‌گذاری و تجارت و کاهش دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی بازار، موجب کاهش نرخ بیکاری گردد.

تأثیر متغیر رشد اقتصادی (GDP) بر نرخ بیکاری، منفی و معنی‌دار است. این نتیجه با کارهای پیسارادیس و والانتی (۲۰۰۷)، خان و همکاران (۲۰۰۸)، مورنموگالیس (۲۰۱۲) و سیال و همکاران (۲۰۱۳) همسو است. می‌توان انتظار داشت که همزمان با رشد اقتصادی، به دلیل افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات که ناشی از افزایش درآمد است، تقاضای برای عوامل تولید از جمله نیروی کار نیز برای پاسخگویی به افزایش تقاضای کالاها و خدمات افزایش یابد که باعث کاهش نرخ بیکاری خواهد شد.

تأثیر متغیر هزینه‌های جبران خدمات نیروی کار (WAGE) بر نرخ بیکاری مثبت و بی‌معنی است. یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر هر متغیر، هزینه‌های صرف شده برای آن متغیر است. تقاضای نیروی کار نیز از این قانون مستثنی نبوده و بسته به درجه پیشرفت اقتصاد، می‌تواند به شدت تحت تأثیر هزینه‌های صورت گرفته برای آن باشد. اما این بحث در مورد کشورهای درحال توسعه متفاوت است زیرا به دلیل نامناسب بودن کیفیت شاخص‌های حکمرانی و استفاده نامناسب از وجوه حاصل از فروش منابع

1. Ashby

2. Garrett and Rhin

3. Pattanaik and Nayak

طبیعی در راستای بسط بازار عوامل جدید تولید و عدم توازن بین فناوری، سرمایه و نیروی کار، دستمزد نیروی کار که بخش اعظم هزینه‌های نیروی کار را شامل می‌شود، همانند قیمت دیگر عوامل تولید به صورت دستوری تعیین می‌شود و چون به دلیل ضعف حکمرانی قیمت‌گذاری هدفمند و در راستای اصلاح ساختار اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان صورت نمی‌گیرد لذا انحراف در قیمت نسبی عوامل به حدی است که موجب بی‌معنایی ضریب تخمینی متغیر هزینه نیروی کار می‌شود.

جدول ۳. تأثیر نهادها بر نرخ بیکاری

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
C	۳/۹*	۴/۰۷*	۳/۹*	۴/۰۸*	۳/۹*	۴/۰۶*	۳/۹*	۴/۰۶*
GDP	-۰/۰۵**	-۰/۰۴۹**	-۰/۰۴۹**	-۰/۰۵**	-۰/۰۵**	-۰/۰۴**	-۰/۰۵**	-۰/۰۴۷**
WAGE	۰/۰۰۹***	۰/۰۰۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴
EF	-۰/۰۸**	-۰/۰۶**	-۰/۰۶***	-۰/۰۶***	-۰/۰۷**	-۰/۰۶***	-۰/۰۷***	-۰/۰۶***
RES	-۰/۰۰۵		-۰/۰۰۵		-۰/۰۰۵		-۰/۰۰۵	
INS	-۰/۰۸							
RES*INS		-۰/۰۰۳						
V&P			-۰/۰۵					
RES*(V&P)				-۰/۰۰۲				
E&R					۰/۰۵			
RES*(E&R)						-۰/۰۰۵		
R&C							-۰/۰۵	
RES*(R&C)								-۰/۰۰۵
$\bar{R}^2$	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸
تعداد کشورها	۵۸	۵۸	۵۸	۵۸	۵۸	۵۸	۵۸	۵۸
تعداد مشاهدات	۵۱۵	۵۱۵	۵۱۵	۵۱۵	۵۱۵	۵۱۵	۵۱۵	۵۱۵
آماره F	۶۴۰/۴*	۶۲۲/۵*	۶۳۳*	۶۲۲/۲*	۶۲۳/۳*	۶۲۲/۴*	۶۲۳/۳*	۶۲۲/۴*
آماره هاسمن	۱۲**	۱۲/۲**	۱۲/۳**	۱۲/۲**	۱۱/۶**	۱۱/۹**	۱۱/۶**	۱۱/۹*

*, **, *** معنی‌داری در سطح ۱ و ۵ و ۱۰ درصد را نشان می‌دهند.

مأخذ: محاسبات تحقیق

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بیکاری از جمله موضوعات مهم اقتصادی است. رفع مشکل بیکاری به خصوص از کانال‌هایی نظیر بالفعل نمودن استعداد و توان بالقوه نیروی کار، به کارگیری تخصصی نیروی جوان و تحصیل کرده باید در صدر اهداف کلان اقتصادی قرار گیرد. شایان توجه است که شرط مهم و اساسی جهت تحقق موارد مذکور، وجود فضای سالم اقتصادی است، به عبارت دیگر، می‌توان گفت که بهبود شاخص نهادی حکمرانی پیش شرط اساسی اثربخشی برنامه‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی است. همچنین، با توجه به مباحث ارائه شده، از میانگین شاخص‌های حکمرانی برای نشان دادن متغیر نهادها استفاده می‌شود. لذا هدف از انجام این مطالعه بررسی تأثیر شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ بیکاری در کشورهای منتخب عضو سازمان عدم تعهد در سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۹۶م است. نتایج مطالعه نشان‌دهنده تأثیر منفی و بی‌معنای شاخص نهادی حکمرانی بر نرخ بیکاری است. نتایج برآورد مدل حاکی از این است که متغیرهای رشد اقتصادی، آزادی اقتصادی و تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ بیکاری دارند. همچنین، متغیرهای جبران خدمات کارکنان و وفور منابع طبیعی دارای تأثیر بی‌معنی بر نرخ بیکاری هستند. لذا در ادامه با توجه به نتایج حاصل از تخمین، به منظور بهبود فضای اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در کشورهای مورد مطالعه، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

۱. اگر چه ضریب تخمینی متغیر نهادی حکمرانی به دلیل نامناسب بودن سطح فعلی متغیر (در بیشتر کشورها این متغیر رقم منفی دارد و روند آن نیز طی دوره مورد بررسی بهبود چشمگیری نداشته است) بی‌معنی است. اما پیشنهاد بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب به منظور ایجاد اطمینان خاطر برای فعالان اقتصادی و همچنین جلوگیری از بروز فساد و رانت‌خواری، اثربخشی هرچه بیشتر قوانین و حاکمیت قانون و افزایش کیفیت قوانین و ثبات سیاسی ارائه می‌شود.

۲. با توجه به اینکه تعداد زیادی از کشورهای مورد مطالعه از فراوانی ثروت‌های طبیعی برخوردارند، پیشنهاد می‌شود که وجوه حاصل از فروش این منابع از کانال بهبود شاخص حکمرانی و مدیریت صحیح منابع طبیعی در راستای بهبود ساختار اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری صرف گردد. به‌رغم تأکید نظرات اقتصادی فراوان بر نقش مثبت منابع طبیعی در اقتصاد، در این مطالعه شاهد تأثیر بی‌معنی این متغیر بر نرخ بیکاری هستیم. در بیشتر کشورهای درحال توسعه با منابع طبیعی فراوان، تکیه اقتصاد بر منابع ناشی از فروش این منابع است که گاهی اوقات از این منابع به عنوان عامل بازدارنده رشد و توسعه اقتصادی یاد می‌کنند. در واقع مشکل اصلی در این کشورها، مدیریت منابع حاصل از فروش ثروت‌های طبیعی است. به نحوی که این منابع در راستای اصلاح ساختار اقتصادی

صرف نمی‌شود و صرفاً منبعی برای تأمین مخارج داخلی کشورها و نه مخارج سرمایه‌گذاری است. بنابراین، شاهد افزایش تقاضای روزافزون کالاهای وارداتی بوده که می‌تواند موجب افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش نرخ بیکاری گردد.

۳. با توجه به تأثیر مطلوب متغیر آزادی اقتصادی بر نرخ بیکاری، پیشنهاد می‌شود با اتخاذ تدابیر مناسب اقتصادی، از طریق بهبود شاخص‌های آزادی اقتصادی (اندازه دولت، ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به نقدینگی سالم، آزادی تجارت خارجی و قوانین مالی، بازار کار و تجارت) زمینه برای حضور هرچه بیشتر بخش خصوصی دارای بازدهی بالاتر نسبت به بخش دولتی است، فراهم گردد. در اقتصادهایی که در آن قوانین مشوق کسب و کار است و نه مانع آن، حقوق مالکیت به رسمیت شناخته شده است و از آن به طور کافی حمایت می‌شود و قوانین بازار کار به نحوی است که هر دو طرف تولیدکنندگان و کارگران را حمایت می‌کنند، انگیزه برای ورود بخش خصوصی به اقتصاد بالاست و شاهد کاهش نرخ بیکاری هستیم.

منابع

- هاشمیان اصفهانی، مسعود و گرجی، ابراهیم (۱۳۸۶). "کاربرد شاخص امنیت اقتصادی در تبیین تحولات ژئواکونومیکی در فرآیند جهانی شدن". فصلنامه ژئوپلیتیک. ۳(۱). صص ۷۴-۵۰.
- Abdullahi, D. (2012). "Role of Governance in Employment Generation in Nigeria". *IOSR Journal of Business and Management*. 3(3). Pp. 27-31.
- Acemoglu, D. (1995). "Reward structures and the allocation of talent". *European Economic Review*. 39(January). Pp. 17-33.
- Acemoglu, D. and Robinson, J.A. (2000). "Political losers as a barrier to economic development". *American Economic Review*. 90 (may). Pp. 126-130.
- Al-sadig, A.J. (2010). "Corruption and private domestic investment: evidence from developing countries". *Journal of Economic Policy in Emerging Economies*. 3(2). Pp. 47-60.
- Amarandei, C.M. (2013). "Corruption and foreign direct investment: evidence from central and eastern European states". *Journal of CES working Paper*. 5(3). Pp. 311-322.
- Ashby, N. J. (2007). "Economic Freedom and Migration Flows between U.S. States". *Southern Economic Journal*. 73(3). Pp. 677-697.
- Berck, P. & Hoffmann, S. (2002). "Assesing the Employment Impacts of Environmental and Natural Resource Policy". *Journal of Environmental and Resource Economics*. 22(1). Pp. 133-156.
- Bhorat, H., Kanbur, R. & Mayet, N. (2012). *The Impact of Sectoral Minimum Wage Laws on Employment, Wages and Hours of Work in South Africa, Development Policy Research*. University of Cape Town, Working Paper No. 12154.

- Burke, A. & Fraser, S.** (2012). "Self-employment: the role of intellectual property right laws". *Journal of Small Business Economics*. 39(4). Pp. 819-833.
- Chang Kon, Ch.** (2007). *The Employment Effect on Economic Growth: Identifying Determinants of Employment Elasticity*. available At: faculty.washington.edu/karyiu/confer/busan07/papers/choi.pdf
- De la Porte, C.** (2007). "Good Governance via the OMC? The Cases of Employment and Social Inclusion". *European Journal of Legal Studies*. 1(1). Available At: <http://www.ejls.eu/>
- Doucoulagos, C. & Ulubasoglu, M.** (2004). "Institutions and economic growth: a systems approach". *The Meeting of Australasian Econometrics Society*. No. 63.
- Dutta, N. & Kar, S. & Roy, S.** (2013). "Corruption and persistent informality: an empirical investigation for India". *Journal of International review of Economica & Finance*. 27(c). pp. 357-373.
- Emeh, I. E-J., Nwanguma, E. O. & Abaroh, J. J.** (2012). "Engaging Youth Unemployment in Nigeria with Youth Development and Empowerment Programmes, the Lagos State in Focus". *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*. 4(5). Pp. 1125-141.
- Farzin, Y. H. & Akao, K. I.** (2006). "Non-pecuniary value of employment and natural resource extinction, Fondazione Eni Enrico Mattei". *Working Paper*. No. 2006. P. 24.
- Feldmann, H.** (2006a). "Government Size and Unemployment: Evidence from Industrial Countries". *Public Choice*. 127(3-4). Pp. 451-67.
- (2006b). "Credit Market Regulation and Labor Market Performance around the World". *Kyklos*. 59(4). Pp. 497-525.
- (2007). "Economic Freedom and Unemployment around the World". *Southern Economic Journal*. 74(1). Pp. 158-76.
- (2008). "Business Regulation and Labor Market Performance around the World". *Journal of Regulatory Economics*. 33(2). Pp. 201-35.
- (2009a). "Government Size and Unemployment: Evidence from Developing Countries". *Journal of Developing Areas*. 43(1). Pp. 315-30.
- (2009b). "The Quality of the Legal System and Labor Market Performance around the World". *European Journal of Law and Economics*. 28(1). Pp. 39-65.
- (2009c). "The Unemployment Effects of Labor Regulation around the World". *Journal of Comparative Economics*. 37(1). Pp. 76-90.
- (2010). "Government Size and Unemployment in Developing Countries". *Applied Economics Letters*. 17(3). Pp. 289-92.
- Forstater, M.** (2002). *Unemployment, Center for Full Employment and Price Stability*. University of Missouri-Kansas City. Working paper, No. 20. Available At: www.cfeps.org/pubs/wp-pdf/WP20-Forstater.pdf
- Fraser Institutions** (2015). http://www.freetheworld.com/datasets_efw.html.

- Frese, M. and Mohr, G.** (1987). "Prolonged Unemployment and Depression in Older Workers: A Longitudinal Study of Intervening Variables". *Social Science & Medicine*. 25(2). Pp. 173–78.
- Garrett, Th. A. & Rhine, R. M.** (2011). "Economic Freedom and Employment Growth in U.S. States". *Journal Of Review*. Federal Reserve Bank of St. Louis, Jan. pp. 1-18.
- Glaeser, E. & Saks, R.** (2004). "Corruption in America". *NBER, Working Papers*. No. 10821.
- Greene, W.H.** (2005). *Econometric Ananlysis*. (Fifth Edition). Macmillan Publishing Company, New York University.
- Jahoda, M.** (1982). "Employment and Unemployment: A Social-Psychological Analysis". *Journal of economic psychology*. 4(3). Pp. 291-293.
- Karabegovic, A. & McMahon, F.** (2008). *Economic Freedom of North America*. 2008 Annual Report (Canadian Edition). Vancouver, BC: Fraser Institute.
- Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M.** (2009). "Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996– 2006". *World Bank Policy Research Working Paper* 3630. Washington, DC.
- Khan, A.Q., Khattak, N. U. R. & Hussain, A.** (2008). "Inter-Relationship of Gross Domestic Product (GDP) Growth and Unemployment in Pakistan (1960-2005)". *MPRA, Working Paper*. No. 42036.
- Kreft, S. F. & Sobel, R. S.** (2005). "Public Policy, Entrepreneurship, and Economic Freedom". *Cato Journal*. 25(3). Pp. 595-616.
- Lemos, S.** (2004). "The Effects of the Minimum Wage on Wages, Employment and Prices". *IZA, Discussion Paper*. No. 1135.
- Lin, M-J.** (2008). "Does Unemployment Increase Crime? Evidence from U.S. Data 1974–2000". *Journal of Human Resources*. 43(2). Pp. 413–36.
- Linn, M. W., Sandifer, R. and Stein, Sh.** (1985). "Effects of Unemployment on Mental and Physical Health". *American Journal of Public Health*. 75(5). Pp. 502–06.
- Lucifora, C. & Moriconi, S.** (2008). *Political Instability, Labour Market Regulation and Unemployment*. Available At: www.eale.nl/Conference2009/.../add102588_26Pw14kWvW.pdf
- Lynch, F., Lynch, G. & Maguire, Ch.** (2012). *An Examination of the Relationship between Good Governance and Sustainable Development*. Government and Politics Review. Available At: www.ucc.ie/.../Anexaminationoftherelationshipbetweengoodgovernancea...
- Mehanna, R.A.** (2003). "Risk and stability: a contribution to growth empirics". *Journal of Global Business and Economics Review*. 5(2). Pp. 391-410.
- Moreno-Galbis, E.** (2012). "The impact of TFP Growth on the Unemployment Rate: Does on-the-Job Training Matter?". *CEPREMAP, Working Paper*. No. 1207.
- Mukherjee, D.** (2009). "Regional Disparities in Wage Employment Dynamics: A Decade of Economic Reforms in India". *MPRA, Working Paper*. No. 35048.
- Neumark, D. & Wascher, W.** (2007). "Minimum Wages and Employment". *IZA: Discussion Papers*. No. 2570
- North, D. C.** (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge University Press, Cambridge.

- Ntouko, C.N.** (2013). "Regulatory framework and private investment: empirical evidence for developing countris". *Journal of Economics Bulletin*. 33(1). Pp. 494-510.
- Parente, S.L. and Prescott, E.C.** (1999). "Monopoly rights: a barrier to riches". *American Economic Review*. 89 (December). Pp. 1216-1233.
- Pattanaik, F. & Nayak, N. Ch.** (2013). "Economic Freedom and Employment in India". *South Asian Journal of Macroeconomics and Public Finance*. 2(1). Pp. 59-79.
- Piachaud, D.** (1997). *A Price Worth Paying? The Costs of Unemployment*. In J. philpott (ed.): working for Full Employment, London: Routledge.
- Pissarides, Ch. A. & Vallanti, G.** (2007). "The impact of TFP Growth on Steady-State Unemployment". *Journal of International Economic Review*. 48(2). Pp. 607-640.
- Raphael, S. & Winter-Ebmer, R.** (2001). "Identifying the Effect of Unemployment on Crime". *Journal of Law and Economics*. 44(1). Pp. 259-83.
- Sebudubudu, D.** (2010). "The Impact of Good Governance on Development and Poverty in Africa: Botswana, A Rrelatively Successful African Initiative". *African Journal of Political Science and International Relations*. 4(7). Pp. 249-262.
- Sen Roy, D. & Samanta, D.** (2009). *Good Governance and Employment Generation through NREGA: A Case Study of Gram Panchayat in West Bengal*. Prepared for the Conference on Infrastructure. Finance and Governance: Push for Growth, Available At: www.researchgate.net/...Good_Governance_and_Employment_Generati...
- Shen, J.G.** (2003). "Dmocracy and growth: an alternative empirical approach". *BOFIT*. Discussion Papers No.13.
- Siyal, G.A., Ahmed, A., Aziz, A. & Zaman, Kh.** (2013). "The Long Run Effects between Unemployment and Economic Growth in Selected SAARC Countries". *Journal of Economic Research Guardian*. 3(2). Pp. 70-85.
- Tito, B. & Nicoletti, G. & Scarpetta, S.** (2000). "Regulation and labour market performance ". *CEPR*. Dixcussion Paper No. 2420.
- Trentini, C. & Koparanova, M.** (2013), "Corruption and entrepreneurship: does gender matter?". *ECE*. Discussion Paper No. 2013-1.
- World Bank** (2014), <http://data.worldbank.org>.
- Zhao, L. & Huang, Y.** (2009). "Unemployment and Social Instability in China: Will They Run Out of Control ". *EAI Background Brief*. No. 439.

پیوست ۱. اسامی کشورهای مورد مطالعه

الجزیره	گینه	پاکستان	اکوادور
آنگولا	هندوراس	پاناما	مصر
آذربایجان	هندوستان	پرو	اتیوپی
بحرین	اندونزی	فیلیپین	فیجی
بنگلادش	ایران	قطر	گابن
بلاروس	جامائیکا	رواندا	گامبیا
بلیز	اردن	عربستان سعودی	غنا
بنین	کنیا	سنگال	گواتمالا
بولیوی	کویت	سنگاپور	مراکش
باستوانا	لبنان	افریقای جنوبی	موزامبیک
بورکینافاسو	لسوتو	سریلانکا	نامیبیا
بروندی	لیبی	سودان	نپال
کامبوج	ماداگاسکار	سوازیلند	نیکاراگوئه
کامرون	مالاوی	سوریه	نیجر
چاد	مالزی	تانزانیا	نیجریه
شیلی	مالی	تایلند	عمان
کلمبیا	موریتانی	توگو	یمن
ساحل عاج	مائوریوس	ترینیداد و توباگو	زامبیا
جمهوری دومنیکن	مغولستان	تونس	
ونزوئلا	امارات متحده عربی	اوگاندا	